



● عکس: امیر پناهپور ●

گفت وگو با «سید مرتضی حاجی آقا میری» صادرکننده و عضو هیئت مدیره اتحادیه تولیدکنندگان و صادرکنندگان فرش دستباف ایران

در حسرت «حمایت حاکمیتی»

فرش دستباف؛ راهبردی ترین حوزه هنری و اقتصادی کشور، نیازمند توجه و برنامه ریزی

حاصل مشکلاتی چون تحریم و محدودیت‌های ناشی از آن، مسائل مربوط به رفع تعهدات ارزی، مواد اولیه، بیمه قالیبافان و سیاست‌های نادرست و در نهایت روند نزولی تولید فرش است، که در حال نزدیک شدن به شرایط خطرناکی می‌باشد. حمایت حاکمیت در عصر صفویه و در سال‌های قبل از انقلاب اسلامی سبب به بافی و خلق آثاری ارزشمند در حوزه فرش شده بود، اما متأسفانه در دوران بعد از انقلاب اسلامی شاهد چنین حمایتی نبوده‌ایم. مسئله این است که رقبای ما از طرف دولت‌هایشان مورد حمایت قرار می‌گیرند، مسیر تجارت آن‌ها تسهیل شده و مشکلات بین‌المللی ما را ندارند و لذا پیش می‌روند، در حالی که صادرات فرش ایرانی از ۲,۱۱۲ میلیارد دلار در سال ۱۳۷۳ به رقم بسیار ناچیز ۶۴ میلیون دلار در سال ۱۴۰۰ رسیده است.

سید مرتضی حاجی آقامیری، صادرکننده و عضو هیئت‌مدیره اتحادیه تولیدکنندگان و صادرکنندگان فرش دستباف ایران، اصلاح روابط بین‌الملل و حضور در عرصه اقتصاد جهانی، شناخت و آگاهی مسئولان از اهمیت فرش دستباف و جایگاه آن در ایجاد اشتغال و جلوگیری از مهاجرت روستاییان به حاشیه شهرها و حمایت از عرصه تولید و تجارت این هنر با ارزش را دو راهکار رفع بحران مدیریتی در حوزه فرش کشور عنوان نموده و تأکید دارد که ما باید تمرکزمان را بر روی تقویت فرش هنری و فاخر که تناسب بیشتری با ماهیت فرش دستباف ایران دارد، بگذاریم تا بتوانیم بازارهای غرب را به دست آورده و بازارهای جدیدی را در حوزه هنر ایجاد کنیم.

شرح کامل گفت‌وگو با ایشان در ادامه آورده شده است.



♦ از روند تولید فرش دستباف در سال‌های اخیر چه ارزیابی دارید و مهم‌ترین مشکلات تولید قالی در کشور چیست؟

متأسفانه در کشور ما هیچ زمانی به شکل قطعی آمار تولید فرش دستباف موجود نبوده و یکی از دلایل آن این است که اساساً مقوله آمار در کشور زیاد اهمیت و جایگاه قابل‌توجهی نداشته و تصمیمات خرد و کلان معمولاً با آزمون‌وخطا گرفته شده است. نکته دوم این‌که به علت گسترده‌ی جغرافیایی تولید و خلق فرش در ایران، امکان جمع‌آوری آمار دشوار بوده و مکانیسمی هم برای آن طراحی نشده است، اما از آنجایی‌که میزان صادرات فرش، آفت بسیار زیادی داشته و با توجه با این مهم که صادرات، لوکوموتیو قطار فرش است، می‌توان نتیجه گرفت که تولید هم با نسبتی کاهش یافته و در نتیجه اگر از این به بعد صادرات افزایش پیدا نکنند، تولید هم به‌شدت کاهش پیدا خواهد کرد و در این حوزه بیکاری فزاینده‌ای خواهیم داشت. در ادامه به برخی از دلایل کاهش تولید اشاره می‌گردد:

- بخشی از دلایل به مشکلاتی که برای صادرات ایجاد شده برمی‌گردد؛ یعنی ما بازاریمان را از دست داده‌ایم و وقتی بازارها از دست می‌روند، امکان تولید هم محدود می‌شود و کاهش پیدا می‌کند. یکی از علل از دست رفتن بازارها، مسئله تحریم است که از دو جهت تأثیرگذار می‌باشد، تحریم‌های بین‌المللی و تحریم مستقیم آمریکا به‌عنوان اولین بازار و بهترین بازار فرش و همچنین مشکلاتی که برای نقل‌وانتقال پول، حمل‌ونقل و سفر تجار به ایران و سفر ایرانی‌ها به خارج از کشور، ایجاد شده به‌شدت در کاهش صادرات مؤثر بوده است.

- بخش دیگری از دلایل کاهش تولید به مسائل ارزی برمی‌گردد. شرایط غیرعادی ناشی از تحریم باعث اتخاذ تصمیماتی در داخل کشور شده که این تصمیمات نادرست هستند و به صادرات ضربه می‌زنند؛ برای مثال مقررات مربوط به رفع تعهد ارز حاصل از صادرات که از ۱۳۹۷/۱/۲۱ وضع شد و علی‌رغم توصیه‌ها و هشدارهای زیاد فعالان حوزه فرش دستباف، اتاق بازرگانی، اتحادیه تولیدکنندگان و صادرکنندگان فرش دستباف ایران، کنفدراسیون صادرات ایران، کمیسیون توسعه صادرات اتاق ایران، کمیسیون تسهیل تجارت توسعه صادرات اتاق تهران و ... با بی‌توجهی مواجه شد و در نتیجه تعلیق کارت تعداد کثیری از صادرکنندگان را به دنبال داشت و آن‌ها نتوانستند به فعالیت ادامه بدهند. طبعاً زمانی که صادرکننده نتواند فعالیت نماید، صادرات کاهش پیدا می‌کند و با کاهش صادرات، بازارها از دست می‌رود و دیگرانی جای ما را در بازار می‌گیرند.

- از دیگر دلایل، می‌توان به مشکلات مربوط به مواد اولیه

اشاره کرد. با وجود این‌که تولیدکنندگان ابریشم در داخل نمی‌توانند به لحاظ کمی و نه کیفی، به‌تنهایی خواسته تولیدکنندگان فرش را برآورده کنند، اما سیاست نادرست حمایت تعرفه‌ای از آن‌ها صورت گرفته است. در ابتدا تعرفه واردات ابریشم از ۱۵ درصد به ۲۶ درصد افزایش پیدا نمود و بعد در شروع امسال و سال گذشته مآخذ واردات از ارز ۴۲۰۰ به ارز نیمایی افزایش پیدا کرد که خود این موضوع (افزایش تقریباً ۶ برابری) باعث شده که واردات ابریشم مرغوب که از چین و ازبکستان انجام می‌شد از توجیه اقتصادی خارج شود و در نتیجه تولید فرش ابریشم با مشکلات جدی مواجه شود. با توجه به رایزنی‌هایی که در سال ۹۹ از طریق اتحادیه انجام شد، توانستیم مصوبه کاهش تعرفه را تا ۲۰ درصد اخذ کنیم، اما این مصوبه به دلیل لابی وزارت جهاد کشاورزی ابلاغ نشد. از سال ۱۴۰۰ هم که بر اساس قانون انتزاع، اختیار نظارت به وزارت جهاد کشاورزی سپرده شده، دیگر امکان کاهش تعرفه با وجود لابی سنگین وزارت جهاد را نداریم و این امر فرش دستباف را به‌شدت تهدید می‌کند.

- مشکل دیگر تولید، بیمه قالیبافان است. بیمه شاید اولین و پایه‌ای‌ترین امتیازی است که یک شهروند در یک کشور باید داشته باشد. بیمه قالیبافان بیمه خویش‌فرما است و تأمین اعتبار آن وابسته به دولت است. سازمان تأمین اجتماعی در حال حاضر معتقد است که ۶ هزار میلیارد

اگر در حوزه فرش در عصر صفویه یا در عصر پهلوی آثار فاخری خلق شده به دلیل مدیریت دولتی نبوده، بلکه در این دوره‌ها «حمایت حاکمیتی» وجود داشته است. وقتی حاکمیت در هر دوره‌ای از منابع خویش یعنی از هنر و هنرمند حمایت می‌کند، نتیجه آن خلق آثار درخشان و فاخر خواهد شد. اگر هنرمند دغدغه‌ای به جز خلق اثر هنری‌اش نداشته باشد، نتیجه بسیار درخشانی خواهد داشت

♦ **شما استان کرمان را خوب می‌شناسید و می‌دانید که در استان کرمان در گذشته نه‌چندان دور، دوره سرمایه‌گذاری و مدیریت خارجی هم در تولید فرش‌های مناسب بازار خارجی و هم تجارت خارجی را تجربه کرده است، نظر شما در مورد امکان جذب سرمایه‌گذاری خارجی در تولید فرش این استان چیست؟**

اساساً در حال حاضر نه در حوزه فرش، بلکه در هیچ بخش دیگری با توجه به مسائل عدیده بین‌المللی از جمله مسائل بانکی، ساختار حاکمیتی و فساد فراگیر اداری، امکان جذب سرمایه‌گذار خارجی را نداریم.

♦ **اگر ممکن است تحلیل آماری از چگونگی روند افول صادرات فرش ایران و تبعات این عقب‌نشینی ارائه بفرمایید.**

به باور من فرش دستباف، راهبردی‌ترین حوزه هنری و اقتصادی کشور ما می‌باشد و دلیل اصلی این مدعا این است که در طول سال‌های بعد از انقلاب در سه مقطع و جمعاً بیش از ۲۵ سال، یعنی بیش از نیمی از سال‌های انقلاب، فرش دستباف ایرانی مستقیماً توسط آمریکا تحریم شده است؛ در دوره ریاست جمهوری رونالد ریگان، باراک اوباما و دونالد ترامپ، فرش دستباف با تحریم سخت‌تری روبه‌رو بوده است.

آمریکایی‌ها اهمیت فرش دستباف ایرانی را می‌دانند و کاهش صادرات، کاهش تولید و در نتیجه کاهش اشتغال و نارضایتی که این وضعیت در بخش وسیعی از مردم به وجود می‌آورد را به‌خوبی درک کرده‌اند، اما مسئولان ما به این مسئله بی‌توجه بوده‌اند و به فرش دستباف اهمیت لازم را نداده‌اند. در نتیجه امروز صادرات فرش دستباف ایرانی از ۲ میلیارد و ۱۱۲ میلیون دلار در سال ۱۳۷۳ به صادرات ۶۴ میلیون دلار در سال ۱۴۰۰ رسیده است. احتمالاً در سال ۱۴۰۱ تلاوم روند کاهشی خود را شاهد خواهیم بود.

درمجموع تا زمانی که جایگاه فرش دستباف و اهمیت آن نزد مسئولان ما به‌درستی جا نیفتد، تصمیماتی که اخذ می‌کنند به تولید فرش ضربه می‌زند و آن‌طور که باید حمایت نمی‌کند، درحالی‌که تمام رقبای ما از حمایت‌های بسیاری برخوردارند، برای مثال کشور ترکیه در حوزه فرش دستباف روی صادرات یک میلیارد دلاری هدف‌گذاری و برنامه‌ریزی می‌کند و برای این منظور طراحان و مرمت‌کاران را از ایران جذب می‌کند. یا کشورهای هند، پاکستان و یا افغانستان نیز در این خصوص برنامه‌ریزی و هدف‌گذاری دارند، اما ما از آنجایی که اهمیت لازم را به فرش نداده‌ایم روزبه‌روز افول می‌کنیم، چون سیاست تشویقی نداریم و به‌جای آن مدام سیاست‌های تنبیهی همچون مقررات رفع تعهد ارزی و تبعات آن وضع می‌شود. همچنین در قانون‌گذاری توجهی به واقعیت‌های

تومان بابت بیمه‌های بافندگان از سال‌های قبل از دولت طلبکار است و دولت آن را پرداخت نمی‌نماید و در نتیجه این سازمان نمی‌تواند تعداد بیمه‌شدگان را افزایش دهد؛ بنابراین سال‌به‌سال از میزان بافندگان بیمه شده کم می‌شود و این موضوع مشکلات جدی برای آن‌ها ایجاد می‌کند.

حاصل همه این مشکلات و سایر سیاست‌های نادرست که به‌صورت غیرمستقیم به تولید مربوط می‌شود، روند نزولی تولید فرش است به‌طوری که در حال نزدیک شدن به شرایط خطرناکی است و بیکاری حاصل از آن نیز به دلیل این‌که در میان اقشار آسیب‌پذیر و عمدتاً از مناطق دورافتاده است، باعث مهاجرت این افراد به شهرها می‌شود و می‌تواند مشکلات جدی اجتماعی، فرهنگی و امنیتی ایجاد کند که متأسفانه مسئولان و حاکمان ما به‌شدت از آن غافل هستند.

♦ **تاریخ نشان می‌دهد که عصر صفویه دوره شکفتگی فرش ایران است که در وجه غالب در انحصار حاکمیت بوده است و در سال‌های قبل و بعد از انقلاب اسلامی نیز فرش‌های باکیفیت در شرکت دولتی فرش بافته شده است. شما «به‌بافی» دولتی در فرش نسبت به بخش خصوصی را چگونه تحلیل می‌کنید؟**

اگر در حوزه فرش در عصر صفویه یا در عصر پهلوی آثار فاخری خلق شده به دلیل مدیریت دولتی نبوده، بلکه در این دوره‌ها «حمایت حاکمیتی» وجود داشته است. وقتی حاکمیت در هر دوره‌ای از منابع خویش یعنی از هنر و هنرمند حمایت می‌کند، نتیجه آن خلق آثار درخشان و فاخر خواهد شد. اگر هنرمند دغدغه‌ای به‌جز خلق اثر هنری‌اش نداشته باشد، نتیجه بسیار درخشانی خواهد داشت؛ برای مثال برادران عمو اوغلی (عبدالمحمد و علیجان عمو اوغلی از تولیدکنندگان مطرح و شناخته شده فرش دستباف ایرانی در عصر پهلوی) از جمله هنرمندانی بودند که حاکمیت از آن‌ها حمایت می‌کرد و آثار بسیار فاخری توسط آن‌ها خلق شد که در برخی موزه‌ها از جمله کاخ سعدآباد می‌توانیم نمونه‌های درخشان آن را ببینیم. زمانی هم که حمایت دولتی از آن‌ها دریغ شد، آثار معمولی خلق کردند که دیگر تفاخر و ارزش آثار موزه‌ای‌شان را ندارد. بنابراین حمایت حاکمیتی از این جهت سبب «به‌بافی» یا خلق آثار ارزشمند می‌شود که باعث تأمین زندگی هنرمندان و خلق آثار درخشان می‌شود، نه اینکه مدیریت دولتی نقشی در این به‌بافی داشته باشد. متأسفانه در دوران پس از انقلاب اسلامی در هیچ دوره‌ای شاهد چنین حمایتی نبودیم و به همین دلیل روند تولید فرش دستباف در این دوره، نزولی بوده و آثار فاخر کمتری خلق شده و آن‌هایی هم که خلق شده تماماً به دلیل فعالیت‌ها و دغدغه‌های هنرمندان و فعالان بخش خصوصی بوده است.

حمایت حاکمیتی

از این جهت

سبب «به‌بافی» یا

خلق آثار ارزشمند

می‌شود که باعث

تأمین زندگی

هنرمندان و خلق

آثار درخشان

می‌شود، نه اینکه

مدیریت دولتی

نقشی در این

به‌بافی داشته

باشد. متأسفانه

در دوران پس از

انقلاب اسلامی

در هیچ دوره‌ای

شاهد چنین

حمایتی نبودیم

و به همین دلیل

روند تولید فرش

دستباف در این

دوره، نزولی

بوده و آثار فاخر

کمتری خلق

شده و آن‌هایی

هم که خلق

شده تماماً به

دلیل فعالیت‌ها

و دغدغه‌های

هنرمندان و

فعالان بخش

خصوصی بوده

است.

ماده ۱۲۱ آیین‌نامه اجرایی قانون امور گمرکی امکان برگشت این فرش‌ها وجود ندارد، چون باید ۸۰ درصد عوارض گمرکی بابت آن پرداخته شود که واقعاً توجیه اقتصادی ندارد.

ما در اتحادیه تولیدکنندگان و صادرکنندگان فرش دستباف حدود ۶ سال است که با مجموعه دولت در مورد اصلاح دو ماده قانونی ۶۵ و ۱۱۹ قانون امور گمرکی و همین‌طور ماده ۱۲۱ آیین‌نامه اجرایی این قانون به توافقاتی رسیده‌ایم ولی هنوز به نتیجه نرسیده و مشکلات همچنان وجود دارد.

در مجموع اگر همین روند ادامه داشته باشد قطعاً ما مشکلات جدی را تجربه خواهیم نمود و به‌طور کلی از بازار حذف خواهیم شد؛ کما اینکه امروز نیز به دلیل شرایط خاص حاصل از تحریم و روابط بسیار بد بین‌المللی کلاً اقتصاد ما در حال حذف شدن از مناسبات جهانی است. اگر امروز کلاً ایران را از مناسبات کلی اقتصادی جهان حذف کنیم هیچ اتفاقی نخواهد افتاد و این آفت اصلی و خطر جدی است که متأسفانه به آن توجه نمی‌شود.

◆ دست برترقبای ما در بازار فرش جهان چیست که صادرات فرش دستباف ایران محدود شده و میدان تجارت بین‌المللی این کالای باارزش را وانهاده‌ایم؟

مسئله مهمی که وجود دارد، این است که رقبای ما از طرف دولت‌هایشان مورد حمایت قرار می‌گیرند؛ مسیر تجاری آن‌ها تسهیل شده و امتیازاتی برای آن‌ها در نظر گرفته می‌شود

جامعه نمی‌شود؛ برای مثال طبق قانون وضع شده برای تمديد کارت بازرگانی، سند مالکیت یا کد رهگیری اجاره‌نامه لازم است، درحالی‌که بخش عمده‌ای از صادرکنندگان فرش در بازارهای سراسر کشور، در حال فعالیت هستند و نمی‌توان آن‌ها را با این قانون منطبق کرد؛ چون مالکیت حجره‌ها در بازار با سرقتی جابجا می‌شود نه سند ملکی و با سرقتی تدوین اجاره‌نامه با کد رهگیری هم ممکن نیست. این ساختار حقوقی پذیرفته شده در بازارها و ابنیه تاریخی کشور است که صادرکنندگان دهه‌هاست در همین محل مشغول به کارند و کارت بازرگانی خود را اخذ یا تمدید کرده‌اند. حالا ناگهان کارت بازرگانی‌شان تمدید نمی‌شود و باید در پیچ‌وخم تمدید آن، یک تا سه سال بدون و این یعنی خروج بسیاری از آن‌ها از چرخه اقتصادی و چرخه صادرات کشور.

همان‌طور که در پاسخ به سؤال اول عرض کردم، علاوه بر مسئله تحریم بین‌المللی که محدودیت‌های بانکی، حمل‌ونقل، ارتباطات، سفر به بازارهای مختلف، سفر طرف‌های تجاری به ایران و ... را به وجود آورده و منجر به کاهش صادرات شده است، موضوع برگشت فرش‌های ایرانی از بازارهای مختلف نیز درحالی‌که انباشتگی آن‌ها در بعضی از بازارها باعث کاهش ارزش و شکسته شدن قیمت فرش‌ها شده است نیز از دلایل کاهش صادرات است. در صورتی‌که باید سازوکاری فراهم شود و این فرش‌ها به ایران برگردانده و مرمت و تعمیر شوند تا برای بازارهای جدیدی صادر شوند. متأسفانه به دلیل تبصره



به باور من
فرش دستباف،
راهبردی‌ترین
حوزه هنری و
اقتصادی کشور ما
می‌باشد و دلیل
اصلی این مدعا
این است که در
طول سال‌های
بعد از انقلاب در
سه مقطع و جمعاً
بیش از ۲۵ سال،
یعنی بیش از
نیمی از سال‌های
انقلاب، فرش
دستباف ایرانی
مستقیماً توسط
آمریکا تحریم
شده است؛ در
دوره ریاست
جمهوری رونالد
ریگان، باراک
اوباما و دونالد
ترامپ، فرش
دستباف با تحریم
سخت‌تری روبه‌رو
بوده است.

♦♦ **برای برون‌رفت فرش دستباف از گرفتاری صادرات چه راه‌کارهایی پیشنهاد می‌کنید، بویژه به نظر شما در چه مواردی از نحوه مدیریت اعمال‌شده در حوزه فرش باید تجدیدنظر شود؟** برای رفع بحران‌های مدیریتی در حوزه فرش در کشور دو راهکار پیشنهاد می‌شود:

یک: اصلاح نظام روابط بین‌الملل و برگشتن به چرخه دیپلماسی جهانی و حضور در عرصه اقتصادی جهان؛ دیده می‌شود که برخی در سازمان توسعه تجارت جهانی، برای پیدا کردن راه‌هایی برای دور زدن تحریم‌ها، موضوع تبادلات غیرمالي، مثل تهاتر کالایی یا راهکارهایی به این شکل را در پیش می‌گیرند، ولی به اعتقاد بنده این امر پاسخگو نیست و تنها کاری که ما باید انجام دهیم، اصلاح روابط بین‌الملل جهت حضور در بازارهای جهانی است. در این صورت است که شرایط خاص حاصل از تحریم را دیگر نخواهیم داشت و نظام تصمیم‌گیری در داخل هم کمتر دچار خطاهای فاحش و پی‌درپی خواهد شد.

دو: مسئولان در کشور، فرش دستباف را بشناسند و نسبت به اهمیت آن آگاه باشند و بدانند که کاهش تولید فرش در کشور به‌منزله کاهش اشتغال خواهد بود و از دست رفتن اشتغال یعنی مهاجرت عنان‌گسیخته روستاییان به حاشیه شهرها و اضافه شدن آن‌ها به جمعیت مصرف‌کننده شهری و مشکلات و تبعات جدی امنیتی، اجتماعی و اقتصادی برای کشور. اشتغال در حوزه فرش اشتغالی بدون جایگزین و ارزان‌قیمت است که ایجاد آن تماماً بر عهده بخش خصوصی است. دو میلیون نفر در حوزه فرش دستباف شاغل هستند که با میانگین هر خانواده چهار نفر نزدیک به ۱۰ درصد جمعیت ایران را شامل می‌شوند که برای اشتغال این جمعیت از سوی دولت هزینه‌ای صورت نمی‌گیرد. با توجه به آمار مسئولان دولت برای ایجاد شغل در حوزه صنعت به‌طور میانگین به ازای هر شغل ۵۰۰ میلیون تا یک میلیارد تومان منابع مالی نیاز است، از طرفی ارزش واقعی اشتغال حاصل از فرش دستباف نزدیک به یک‌میلیون میلیارد تومان (هزار همت) است و چون دولت بابت آن پولی نمی‌دهد، به‌درستی آن را درک نمی‌کند و این خطرناک است. برای اینکه این اشتغال از دست نرود باید مشکلات صادراتی فرش حل شود که در پاسخ سؤالات قبل به آن‌ها اشاره شد.

برای این منظور، دولت باید به بخش خصوصی اعتماد کند و دست از تنبیه فعالان بخش خصوصی و تولیدکنندگان صادرکنندگان بردارد و نوع نگاه خود را عوض کند تا حوزه دیرپا و کهن فرش دستباف در کشور باقی بماند و کشور از مواهب آن استفاده کند. ♦♦

و مشکلات بین‌المللی ما را ندارند، یعنی آن‌ها نه مقررات دست‌وپا گیر ما را دارند و نه بابت صادرات و ارزآوری‌شان تنبیه می‌شوند نه در مالکیت یا فروش ارزششان به مشکل برمی‌خورند، حتی دولت‌های متبوعشان مشوق‌هایی بابت صادرات به آن‌ها می‌پردازد، به شبکه جهانی اقتصادی وصل هستند و در بسیاری از موارد حتی سرمایه‌گذار خارجی جذب کرده‌اند؛ یعنی شبیه همان شبکه‌ای که پیش از انقلاب در ایران وجود داشت و افرادی از خارج از ایران در فرش سرمایه‌گذاری می‌کردند، بعد از انقلاب در کشورهای دیگر سرمایه‌گذاری کرده‌اند و آن‌ها هر روز پیش رفتند و پیش افتادند و ما هر روز ضعیف‌تر شده‌ایم و در نتیجه آن، صادرات بیش از دو میلیارد دلار ما امروز به نزدیک ۵۰ میلیون دلار رسیده است.

♦♦ **چه تحلیلی از روند تقاضا در بازارهای بین‌المللی فرش دستباف دارید؟**

واقعیت این است که به لحاظ آماری تقاضا در بازار بین‌المللی کم شده و این موضوع به عقیده بنده دو دلیل دارد؛ دلیل اول این است که فرش ایران از بسیاری از بازارها حذف شده و فرش‌های دیگری جای آن را نگرفته است. اگر فرش ایران بتواند دوباره مجدانه به عرصه تجارت برگردد، مجدد می‌تواند بخشی از آن بازارها را به دست آورد.

دلیل دوم این است که فرش به‌مثابه یک کفپوش، با رقبای بسیاری مواجه است. امروزه کفپوش‌های دیگری مثل کفپوش‌های ماشینی، کفپوش‌های لمینت، انواع سرامیک‌ها و ... هستند که بازار فرش را تحت شعاع قرار داده و باعث کاهش تقاضای بین‌المللی فرش دستباف شده‌اند. اما اگر روی فرش فاخر و هنری‌مان تمرکز کنیم، حتماً می‌توانیم بازارهای خوبی را به‌عنوان تجارت هنر ایجاد کنیم، کما اینکه امروز می‌بینیم که Domotex به‌عنوان مهم‌ترین رویداد کفپوش در دنیا، سالیانی است که با نگاهی که به کفپوش‌های مدرن دارد، حتی دستبافته‌های مدرن یا فرش‌های ماشینی با سبک مدرن هم در این نمایشگاه به‌سختی رقابت می‌کنند، لذا چنین رویدادهایی دیگر آوردگاه خوبی برای فرش دستباف ایران نیست و ما در آنجا سال‌به‌سال کوچک و کوچک‌تر شده‌ایم و به‌نوعی امسال ما در آنجا قابل‌چشم‌پوشی بوده‌ایم و پرچم ایران در آنجا به اهتزاز درنیامد. لذا به اعتقاد بنده ما باید تمرکزمان را روی تقویت فرش هنری و فرش فاخر که تناسب بیشتری با ماهیت فرش دستباف ایران دارد، بگذاریم تا بتوانیم بازارهای غربی را به دست بیاوریم و بازارهای جدیدی را در حوزه تجارت هنر ایجاد کنیم.

تازمانی که جایگاه فرش دستباف و اهمیت آن نزد مسئولان ما به‌درستی جا نیفتد، تصمیماتی که اخذ می‌کنند به تولید فرش ضربه می‌زند و آن‌طور که باید حمایت نمی‌کند، درحالی‌که تمام رقبای ما از حمایت‌های بسیاری برخوردارند، برای مثال کشور ترکیه در حوزه فرش دستباف روی صادرات یک میلیارد دلاری هدف‌گذاری و برنامه‌ریزی می‌کند و برای این منظور طراحان و مرمت‌کاران را از ایران جذب می‌کند.